

شناسایی عوامل مؤثر بر افزایش نگرش منفی نسبت به ازدواج در دانشجویان مجرد دانشگاه های شهر اهواز

امین کرابی^۱

نگین کیانیپور برجویی^۲

بهناز قیصری^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر بر افزایش نگرش منفی نسبت به ازدواج در دانشجویان مجرد دانشگاه های شهر اهواز بود. طرح پژوهش حاضر یک طرح همبستگی از نوع تحلیل ماتریس کواریانس یا همبستگی بود. نمونه پژوهش حاضر شامل ۲۶۴ نفر دانشجویان مجرد دانشگاه های شهر اهواز بود که به شیوه نمونه گیری تصادفی طبقه ای از بین مجموع دانشجویان مجرد چهار دانشگاه شهید چمران، علوم پزشکی جندی شاپور، پیام نور واحد اهواز و آزاد اسلامی واحد اهواز انتخاب گردیدند. ابزارهای گردآوری داده ها شامل یک مصاحبه نیمه ساختاریافته و پرسشنامه عوامل مؤثر بر نگرش منفی نسبت به ازدواج بود که پس از تحلیل نتایج این پژوهش ساخته و مورد تأیید قرار گرفت. برای تحلیل پرسش های پژوهش از روش تحلیل عامل اکتشافی (EFA) استفاده شد. نتایج تحلیل عامل اکتشافی نشان داد که عوامل مؤثر بر نگرش منفی نسبت به ازدواج از نظر دختران و پسران مجرد شامل عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، روانشناختی و خانوادگی می باشد. سطح معنی داری قابل قبول برای بررسی نتایج $P > 0/05$ در نظر گرفته شد.

واژه های کلیدی: نگرش منفی نسبت به ازدواج، تحلیل عوامل، دانشجویان مجرد

۱. گروه مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول) am.koraei@gmail.com

۲. گروه مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

۳. گروه مشاوره، واحد مسجد سلیمان، دانشگاه آزاد اسلامی، مسجد سلیمان، ایران

مقدمه

ازدواج یکی از مهم‌ترین پدیده‌های زندگی و رابطه‌ای تنگاتنگ و صمیمانه بین دو انسان است، که می‌تواند پناه‌گاه امنی برای مقابله با دشواری‌های زندگی باشد. ازدواج مناسب می‌تواند موجبات رشد و شکوفایی توانایی‌های انسان را فراهم آورد. مطالعات زیادی نشان داده‌اند که ازدواج سالم برای جامعه بسیار اهمیت دارد و می‌تواند مزایای زیادی را از نظر مالی، احساسی و فیزیکی برای خانواده‌ها فراهم آورد از طرف دیگر، پیامدهای اجتناب ناپذیر ازدواج نامناسب، نه تنها باعث مشکلاتی برای زوجین است، بلکه دامن‌گیر فرزندان و جامعه نیز می‌شود (کرامری، کویت، فگو و ماهونی، ۲۰۰۷). اختلال در ازدواج نیز عامل بسیاری از مشکلات روانی بیماران بستری در بخش روانی بیمارستان‌ها است (تامپسون، لیزردی، کی یز و هسین، ۲۰۰۸). مطالعات زیادی نشان داده‌اند که ازدواج سالم برای جامعه بسیار اهمیت دارد و می‌تواند مزایای زیادی را از نظر مالی، احساسی و فیزیکی برای خانواده‌ها فراهم آورد. پژوهش روی ۱۴۰۰۰ فرد بزرگ‌سال طی یک دوره ۱۰ ساله نشان داد که ازدواج مهم‌ترین پیش‌بین شادی در افراد جامعه است، به طوری که حدود نیمی از افراد متأهل گزارش کرده‌اند که شاد هستند، در حالی که تنها ۲۵ درصد افراد مجرد اظهار کرده‌اند که شاد هستند (وایت و گالاگر، ۲۰۰۰). پژوهش دیگری که در افراد ۱۷ کشور انجام شده، نشان داده که میزان شادی و رضایت افراد از زندگی، در افراد متأهل نسبت به افراد مجرد بیشتر است (استاک و اشلمن، ۱۹۹۸)؛ بنابراین، ازدواج و تأهل با اعتماد به نفس بالا، رضایت از زندگی بیشتر و استرس کمتر رابطه‌ی مثبت دارد (کمپ داش و آماثو، ۲۰۰۵).

از دیدگاه سلامتی، سلامت جسمی و روانی افراد متأهل نسبت به افراد مجرد بالاتر است (شون برن، ۲۰۰۴). تحقیقات بسیار زیادی نشان داده که افراد متأهل با ازدواج‌های رضای‌تمند، کمتر دچار بیماری‌های جسمی مانند بیماری‌های قلبی - عروقی می‌شوند (ژاینگ و هاوارد، ۲۰۰۶). نتایج پژوهش ویلموث و کاسو^۸ (۲۰۰۲) نیز نشان داد که سطح رفاه افراد متأهل از افراد مجرد بیشتر است. در مجموع، ازدواج و روابط زناشویی سالم، مزایایی را هم برای جامعه و هم افراد و خانواده‌ها ایجاد می‌کند (کیلاوی، دانش‌پور، علمی، دادرس و حمید، ۲۰۱۴).

یک عامل مهم در تأخیر در ازدواج، نگرش منفی به ازدواج است. نگرش به ازدواج عبارت است از عقیده ذهنی و باورهای فرد در مورد ازدواج که در مراحل اولیه زندگی شکل گرفته

1. Krumrei, Coit, Fogo & Mahoney
2. Thompson, Lizardi, Keyes & Hasin
3. Waite & Gallagher
4. Stack & Eshleman
5. Kamp Dush & Amato
6. Schoenborn
7. Zhang & Hayward
8. Wilmoth & Koso
9. Killawi, Daneshpour, elmi, Dadras & hamid

و سازه‌های نسبتاً ثابت است (ترنت و ساف، ۱۹۹۲). در سال‌های اخیر نگرش جوانان نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده جهت‌گیری منفی یافته و به دنبال این نگرش منفی تباهی اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی در جوانان عمومیت یافته است (جانسون، ۲۰۰۰). یکی از علل کاهش گرایش به ازدواج در جوانان کشور ما، باورهای نادرست و نگرش نامناسب نسبت به ازدواج ذکر شده است (آزادفلاح، پورمحمدرضای تجریشی، بیگدلی و مدرسی، ۱۳۸۷).

سن ازدواج در دهه‌های اخیر افزایش قابل توجهی داشته است. نسبت زنان ازدواج نکرده سنین ۲۰-۲۴ سال از ۲۱/۴ درصد در سال ۱۳۵۵ به حدود ۴۰ درصد در سال ۱۳۷۵ و به حدود ۴۹ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. این نسبت در مناطق شهری در سال‌های اخیر تا حدود ۸۰ درصد افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). این امر موجب افزایش فاصله بین بلوغ و ازدواج در جوانان شده است. به علاوه، علیرغم عمومیت بالای ازدواج به علت جایگاه اجتماعی، فرهنگی، سنتی و مذهبی ازدواج و خانواده در جامعه ایرانی، شواهد بر روند افزایش مجرد قطعی در سال‌های اخیر دلالت دارد. به طوری که مجرد قطعی در مردان از ۱/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱/۶ درصد در سال ۱۳۸۵ و در زنان از ۱/۲ درصد به ۳/۶ درصد افزایش داشته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). در جوامع غربی، توسعه‌ی فرصت‌های شغلی و اقتصادی، با گسترش انواع سبک‌های شریک‌گزینی و معاشرت با جنس مخالف همراه بوده است (گاقان، ۲۰۰۲). معاشرت‌ها و روابط جنسی قبل از ازدواج در ایران نیز از تنوع برخوردار بوده است و بر اساس مطالعه‌ی آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۹۰) شش سنخ روابط جنسی قبل از ازدواج شامل، روابط آزاد، صیغه، دوست دختر و پسر، همخانگی، روابط ضد عاشقانه و روابط مبتنی بر عشق سیال.

شکل‌گیری نگرش به ازدواج از دو رویکرد نظری قابل توجیه است. اول آن که بر اساس نظریه دلبستگی رابطه والدین با مراقبان اولیه (به خصوص مادر) در ایجاد الگوهای فعال درونی نقش دارد (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۷). الگوهای فعال درونی ممکن است یکی از مکانیسم‌هایی باشد که از طریق آن نگرش نسبت به صمیمیت انتقال می‌یابد (ریش، جودی و اکلز، ۲۰۰۴). در نظریه‌های دلبستگی کنونی رابطه والد - کودک نه تنها در دوران کودکی مهم است، بلکه در دوران بزرگسالی نیز اهمیت دارد (فریمن و براون، ۲۰۰۱). دوم آن که بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، والدین ایده‌های خود را جمع به رابطه با جنس مخالف را از طریق الگوسازی و یادگیری جانشینی به فرزندان خود انتقال می‌دهند و نگرش فرزندان نسبت به صمیمیت از طریق مشاهده والدین و روابط بین آن‌ها الگوبرداری می‌شود. از طرف دیگر فرزندان تجربه رابطه خود و والدین را به عنوان مبنایی برای ایجاد صمیمیت در روابط به کار

1. Trent & South
2. Johnson
3. Gaghan
4. Mikulincer & Shaver
5. Risch, Jodl & Eccles
6. Freeman & Brown

می‌برند. این یادگیری از منابع دیگری مانند رسانه‌ها، مدرسه، یا دوستان نیز صورت می‌گیرد (رییش و همکاران، ۲۰۰۴). تحقیقات نشان داده‌اند که ساختار و محیط خانواده اصلی در نگرش به ازدواج و نیز زندگی خانوادگی فرزندان نقش دارد (کری، ۲۰۰۵).

در بررسی علل افزایش سن ازدواج، اثر عوامل نوسازی مانند شهرنشینی، تحصیلات، تغییر نقش‌های جنسیتی و استقلال اقتصادی زنان، تغییرات نگرشی نسبت به ماهیت ازدواج، مدرن شدن اقتصاد و ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج، همبستگی و عوامل تأثیرگذار بر انتخاب‌های فردی تبیین شده‌اند (مالهوترا و تسوی، ۱۹۹۶). از سوی دیگر عامل مهم دیگر، سبک هویت جوانان در آستانه ازدواج است. کوک^۱ (۲۰۰۲) بیان کرد که ازدواج به‌عنوان یک فرآیندی است که افراد متأهل، متعهد به اشتراک گذاشتن تمام جنبه‌های هویتشان هستند. افراد متأهل نسبت به تغییرات ظریف هویتی شان که باید با حفظ تعهد نسبت به همسر همراه باشد، آسیب پذیرند. در میان عوامل اثرگذار بر سلامت روانی انسان‌ها، خانواده نقشی بسیار مهم دارد. در طول دوران کودکی تجربه‌های خانواده نقشی حیاتی را در ساختن نگرش، باورها و انتظارات فرزندان بازی می‌کنند (گانونگ، کلنن و براون، ۱۹۸۱). فرزندان با مشاهده روابط زناشویی والدینشان یاد می‌گیرند که ازدواج و زندگی خانوادگی چگونه باید باشد (گانونگ و همکاران، ۱۹۸۱).

همخانگی و ازدواج‌های غیر رسمی - که در نهایت به ازدواج رسمی ختم نمی‌شوند - روز به روز در حال افزایش است (وسپا، ۲۰۱۴). زندگی مشترک بدون ازدواج در حال حاضر به‌طور گسترده‌ای در میان جمعیت ایالات متحده منتشر شده است و به‌عنوان یک رویداد بهنجار در چرخه زندگی محاسبه می‌شود (مانینگ^۵، ۲۰۱۳). برخی از هم‌خانه‌ها و ازدواج‌های غیر رسمی، نه تنها شریک جنسی یکدیگر محسوب می‌شوند، بلکه اقدام به بارداری یا پذیرفتن فرزند از طریق فرزندخواندگی می‌کنند که این آمار حدود ۲۰ درصد کودکان متولد شده در آمریکا را شامل می‌شود (کندی و بام پاس، ۲۰۱۱). برخی پژوهشگران غربی حتی ذکر می‌کنند که زندگی مشترک بدون ازدواج در حال حاضر می‌تواند دارای اثرات مفیدی شبیه به ازدواج در سلامت روانی، سلامت جسمی و روابط اجتماعی افراد داشته باشد (موشیک و بام پاس، ۲۰۱۲). اکثر پژوهش‌هایی که به مقایسه‌ی ازدواج‌های رسمی و زندگی مشترک بدون ازدواج می‌پردازند به دو حوزه ثبات و رضایت پرداخته‌اند که پژوهش‌ها نشان می‌دهند رضایت زناشویی و ثبات در ازدواج‌های رسمی به‌طور معنی‌داری بیشتر است (لایف بروئر و دورلژین^۸، ۲۰۰۶) و البته سطح

1. Carey
2. Cook
3. Ganong, Coleman & Brown
4. Vespa
5. Manning
6. Kennedy & Bumpass
7. Musick & Bumpass
8. Liefbroer & Dourleijn

تعارض بیشتری بین آن‌ها گزارش شده است (اسکینر، باهر، کران و کال، ۲۰۰۶). با وجود این که معاشرت عاطفی و جنسی پیش از ازدواج یا خارج از چارچوب، در ایران برخلاف هنجارهای سنتی، مذهبی و فرهنگی بوده و حتی از نظر قانونی نیز منع شده است اما برخی شواهد در سال‌های اخیر دلالت بر روند افزایشی این گونه معاشرت‌ها در بین جوانان دارد (خلج آبادی فراهانی، ۱۳۹۰). بیش از نیمی از دختران دانشجو در تهران در سال ۵-۱۳۸۴، تجربه معاشرت دوستی با جنس مخالف پیش از ازدواج و حدود یک چهارم ارتباط نزدیک‌تر شامل تماس جنسی را گزارش کردند (خلج آبادی فراهانی، کللند و مهریار، ۲۰۰۸). در تهران بین ۲۰ تا ۶۰٪ جوانان گروه سنی ۱۸-۱۴ سال، با یک یا چند جنس مخالف اغلب به‌طور پنهانی و بدون رضایت خانواده ارتباط عاطفی و گاه ارتباط پیشرفته‌تر برقرار می‌کنند (گلزاری، ۱۳۸۳). مطالعات متعددی نیز در ایران، عواملی مانند مدرنیزاسیون، توسعه آموزش همگانی به‌خصوص برای زنان، تحصیلات و اشتغال در بین دختران و زنان را عامل افزایش سن ازدواج نشان داده‌اند (عباسی شوازی و همکاران، ۲۰۰۹). توسعه تحصیلات و اشتغال در زنان که با نقش‌های سنتی مادری و همسری در تقابل قرار می‌گیرند، نیز به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر سن ازدواج محسوب می‌شوند (گاکان، ۲۰۰۲).

پژوهش حاضر هم از جنبه نظری و هم کاربردی بسیار حائز اهمیت است. بررسی اطلاعات موجود در کشور نشان از بالا رفتن سن ازدواج و پدیده ازدواج سفید و از سوی دیگر افزایش آمار طلاق است که این مسأله اثرات منفی زیادی بر افراد خانواده و جامعه دارد. آمارها همچنین حاکی از افزایش طلاق میان زوجین می‌باشد. حدود ۵۰٪ از ازدواج‌های اول به طلاق می‌انجامند (فاست و مک کین، ۱۹۹۹) و حدود ۳۳٪ این ازدواج‌ها در همان ده سال اول ازدواج به جدایی یا طلاق منجر می‌شوند (براملت و موشر، ۲۰۰۱). بر اساس آمار اداره ثبت احوال کشور (۱۳۹۳)، نسبت رخداد طلاق به ازدواج در سال ۱۳۸۳، یک مورد طلاق به ۹/۸ مورد ازدواج بوده است. این در حالی است که در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، این نسبت به ترتیب به ۹/۴، ۸/۳، ۸/۴، ۸/۱، ۶/۵، ۶/۱، ۵/۵، ۵/۴ و ۵ کاهش یافته است. این بدان معناست که تقریباً به ازای هر پنج مورد ثبت ازدواج، یک مورد طلاق به وقوع پیوسته است. لذا هدف اصلی در این پژوهش پاسخ به این پرسش است که عوامل مؤثر بر افزایش نگرش منفی نسبت به ازدواج در دانشجویان چیست؟

روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر یک طرح همبستگی از نوع تحلیل ماتریس کواریانس یا همبستگی است. در مواقعی که پژوهشگر از همبستگی مجموعه‌ای از متغیرها بخواهد تغییرات متغیرها را

1. Skinner, Bahr, Crane & Call
2. Faust & Mc Kibben
3. Bramlett & Mosher

در عامل‌های محدود تر خلاصه کند یا خصیصه‌های زیر بنایی یک مجموعه از داده‌ها را تعیین نماید از روش تحلیل عاملی استفاده می‌کند. برای این منظور لازم است که ماتریس کواریانس متغیرهای اندازه گیری شده تحلیل شود. در صورتی که محقق درباره تعداد عامل‌های خصیصه‌ها فرضیه ای نداشته باشد، تحلیل اکتشافی و در صورتی که فرضیه موجود باشد تحلیل عامل تاییدی نامیده می‌شود (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۹۳).

جامعه آماری پژوهش حاضر، دانشجویان مجرد دختر و پسر دانشگاه‌های شهر اهواز (شهید چمران، علوم پزشکی جندی شاپور، پیام نور و آزاد اسلامی) می‌باشند که وارد سن ازدواج شده اند، اما همچنین ازدواج نکرده اند. نمونه‌ی مورد مطالعه شامل ۲۶۴ دانشجو (۱۳۸ نفر مرد و ۱۲۶ نفر زن) می‌باشند که از طریق نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند، بدین صورت که از میان دانشجویان چهار دانشگاه مذکور، به نسبت جامعه دانشجویان آن دانشگاه، نمونه‌ی لازم انتخاب گردید. سپس، از هر کدام از دانشگاه‌ها، افرادی که واجد شرایط شرکت در پژوهش بودند شناسایی و سپس برای شرکت در پژوهش دعوت می‌شدند. ملاک‌های ورود برای انتخاب شامل مجرد بودن، داشتن سن بالاتر از ۲۲ برای دختران و ۲۵ برای پسران و اشتغال به تحصیل در یکی از مقاطع تحصیلی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری بود.

ابزار مورد استفاده در پژوهش حاضر یک مصاحبه نیمه ساختار یافته و سپس پرسشنامه عوامل موثر در نگرش منفی به ازدواج بود که پس از تحلیل‌های آماری ساخته شد. برای جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش ابتدا از یک مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شد. پس از اجرای مصاحبه با ۲۰ دانشجوی مجرد، و بررسی نظرات آنها، پژوهشگر با بررسی نظرات و عوامل ذکر شده از سوی شرکت کنندگان و پس از مطالعه منابع، مقیاس‌ها و متون موجود در مورد عوامل علت نگرش منفی آن‌ها نسبت به ازدواج و تأخیر در ازدواج آن‌ها، پرسشنامه‌ای تهیه کرد که روایی محتوایی آن در ابتدا، بر اساس نظرات صاحب‌نظران و متخصصان حوزه خانواده و ازدواج مورد بررسی قرار گرفت. سپس پرسشنامه بر روی نمونه اصلی اجرا شد و ساختار عاملی آن نیز مورد بررسی قرار گرفت. ضریب پایایی این پرسشنامه پس از بررسی نهایی و انجام تحلیل عامل اکتشافی برابر ۰/۸۷ به دست آمد.

برای آزمون پرسش پژوهش از روش‌های آماری شامل تحلیل‌های توصیفی میانگین، انحراف استاندارد، کمترین و بیشترین نمره‌ها و تحلیل‌های آمار استنباطی شامل تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) استفاده شد. لازم به ذکر است که تمامی تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS ویرایش ۲۲ انجام گرفت.

یافته‌های پژوهش

به منظور شناسایی عوامل موثر بر نگرش منفی نسبت به ازدواج، از روش تحلیل عامل اکتشافی

1. Exploratory factor analysis (EFA)

با رویکرد تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده می‌شود. در این پژوهش جهت بررسی پیش فرض کرویت (بررسی ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرها در جامعه) از آزمون کرویت بارتلت^۱ (۱۹۵۰) و همچنین برای بررسی کفایت نمونه و مناسب بودن داده‌های جمع آوری شده برای تحلیل عاملی، از آزمون کایزر-مایر-الکین^۲ (۱۹۶۱) استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. نتایج آزمون کرویت بارتلت و آزمون کایزر-مایر-الکین

مقدار	شاخص
۰/۵۷۵	آزمون KMO
۵۲۹۹/۴۳	آزمون کرویت بارتلت (مقدار خي دو)
۱۲۷۵	Df
۰/۰۰۱	سطح معنی داری

یافته‌های جدول ۲ نشان داد که شاخص کایزر-مایر-الکین (KMO) و مقدار خي دو محاسبه شده برای آزمون کرویت بارتلت برای نمونه دانشجویان در سطح آماري $p=0/001$ معنی دار می‌باشد. یعنی فرض واحد بودن ماتریس همبستگی رد می‌شود و داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی مناسب می‌باشد و حجم نمونه کفایت می‌کند. در مرحله بعد برای تشخیص عوامل بنیادی که زیربنای آزمون را تشکیل می‌دهند، روش چرخش متعامد^۳ از نوع واریماکس^۴ به کار برده شد. هم چنین برای تعیین این موضوع که مقیاس از چند عامل معنی دار اشباع شده است، دو شاخص اصلی مورد استفاده قرار گرفت: (۱) مقدار ویژه^۵ و (۲) نسبت واریانس تبیین شده توسط هر عامل.

جدول ۲. ماتریس عاملی از طریق تحلیل مؤلفه‌های اصلی پس از چرخش به شیوه واریماکس بر روی آزمودنی‌ها (n=۲۶۴)

عاملها	دانشجویان	
	مقدار ویژه	درصد واریانس
عامل اول	۱۰/۹۶	۲۱/۳۸
عامل دوم	۵/۹	۱۶/۱۹
عامل سوم	۴/۱۶	۱۰/۵۱
عامل چهارم	۳/۱۱	۷/۳۶
عامل پنجم	۲/۲۶	۵/۴۸

1. Bartlett's test of sphericity
2. Kaiser-Meyer-Olkin
3. Rotation Method
4. Varimax
5. Eigenvalues
6. Variance Explained

همانطور که در جدول ۲ نشان داده شده است، در نمونه دانشجویان، پنج عامل به دست آمد که مقادیر ویژه عامل‌های پنجگانه همه بالاتر از ۱ هستند. در این تحلیل، عامل اول با ارزش ویژه ۱۰/۹۶ معادل ۲۱/۳۸ درصد واریانس کل را تبیین می‌کند که بیشترین سهم را در تبیین نگرش منفی نسبت به ازدواج بر بر عهده دارد. در این تحلیل میزان واریانس تبیین شده کل متغیرها برای پنج عامل بر روی هم ۶۰/۹۲ می‌باشد. در جدول ۳ ماتریس عاملی چرخش یافته متعامد به شیوه واریماکس بر روی ۵۱ ماده پرسشنامه به همراه بار عاملی هر ماده در نمونه دانشجویان آمده است. لازم به ذکر است که حداقل بار عاملی در نظر گرفته شده برای قرار گرفتن ماده‌ها بر روی سه عامل ۰/۴۰ در نظر گرفته شد.

جدول ۳. ماتریس عاملی چرخش یافته واریماکس پرسشنامه عوامل نگرش منفی به ازدواج در نمونه زنان

ردیف	گویه	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	عامل پنجم
۱	تحول موقعیت و نقش‌های زنان در جامعه	-	۰/۸۰۶	-	-	-
۲	کاهش انگیزه ازدواج در بین دختران به دلیل اشتغال و استقلال مالی آنها	-	۰/۷۱۷	-	-	-
۳	پرتوقع شدن خانم‌ها و خانواده‌هایشان در انتخاب همسر	-	-	-	-	۰/۳۵۲
۴	ترس بعضی از دختران نسبت به عدم اجازه شوهر برای کار و اشتغال خارج از منزل	-	۰/۵۶۰	-	-	-
۵	تمایل به ادامه تحصیل و مدرک‌گرایی در بین جوانان و بالا بودن هزینه تحصیل در دانشگاه	-	۰/۵۰۷	-	-	-
۶	بیکاری و نداشتن شغل مناسب، مشکلات اقتصادی و کم بودن درآمد پسران جوان	-	-	۰/۵۴۵	-	-
۷	مشکل مسکن	-	-	۰/۵۸۴	-	-
۸	ترس از هماهنگ‌نشدن با شرایط مالی همسر آینده	-	-	۰/۴۵۶	-	-
۹	بی‌ثباتی شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه و عدم حمایت‌های مالی توسط دولت برای جوانان در آستانه ازدواج	-	-	۰/۳۵۵	-	-
۱۰	مشکل تهیه جهیزیه و انجام هزینه‌های ازدواج از سوی والدین	-	-	۰/۴۴۷	-	-
۱۱	عدم حمایت مالی خانواده از پسران متقاضی ازدواج در سنین کمتر به بهانه پایین بودن سن	-	-	۰/۴۶۱	-	-
۱۲	بدبینی و عدم اعتماد به جنس مخالف	-	۰/۵۷۲	-	-	-
۱۳	عیب تلقی شدن آشنایی با جنس مخالف	-	-	-	-	۰/۳۹۰
۱۴	عدم امکان شناخت و باور نسبت به اینکه فرد انتخاب شده برای ازدواج ملاک‌های مورد نظر فرد را دارد یا خیر	۰/۴۴۹	-	-	-	-

۱۵	عدم آشنایی جوانان با زندگی مشترک و تعریف ازدواج به عنوان عامل سلب آزادی و آسایش و عامل محدودیت	-	-	۰/۴۸۰	-	-	-
۱۶	نبود آموزش صحیح و مناسب و ایجاد آمادگی پیش از ازدواج	-	-	-	-	۰/۶۴۴	-
۱۷	اختلاف نظر با خانواده در زمینه ازدواج و معیارهای انتخاب همسر	-	-	-	-	-	۰/۴۷۶
۱۸	بی تفاوتی یا عدم ترغیب فرزندان به ازدواج بهنگام از سوی خانواده‌ها و جامعه	-	-	-	-	۰/۳۷۳	-
۱۹	عدم شناخت فرد از خودش و اینکه چه ملاک‌هایی را برای همسر آینده اش در نظر دارد	-	-	۰/۵۱۱	-	-	-
۲۰	وجود نگرش‌های ناصحیح و غیرواقع گرایانه مرد و زن نسبت به یکدیگر	-	-	۰/۴۴۹	-	-	-
۲۱	آرمان گرا بودن و وسواس بیش از حد در انتخاب همسر	-	-	۰/۵۹۸	-	-	-
۲۲	مسدود بودن راه‌های شناخت سالم دو جنس مخالف (فقدان موقعیت و شرایط اجتماعی مناسب برای آشنایی دو جنس)	-	-	-	-	۰/۴۰۸	-
۲۳	استرس داشتن برای ازدواج به خاطر ترس از زندگی مشترک یا ابهام در مورد آینده	-	-	۰/۷۰۵	-	-	-
۲۴	راحت تر شدن ارتباط با جنس مخالف	-	-	۰/۴۸۶	-	-	-
۲۵	افزایش رفیق بازی در جوانان	-	-	۰/۴۷۹	-	-	-
۲۶	افزایش ابزارهای ارتباطات جمعی و نفوذ فرهنگ غرب	-	-	۰/۶۷	-	-	-
۲۷	پایین آمدن ارزش ناهل و رایج شدن باورهای غلط در جامعه در مورد به ازدواج	-	-	۰/۷۸۵	-	-	-
۲۸	ضعیف شدن ارزش‌ها و باورهای مذهبی افراد و افزایش بی بندباری و فساد اخلاقی در جامعه	-	-	۰/۷۶۳	-	-	-
۲۹	افزایش نرخ طلاق و تعمیم تجارب ناموفق دیگران به خود	-	-	۰/۴۶۳	-	-	-
۳۰	عدم اطلاع جوانان به سودمندی ازدواج به ویژه از سوی پسران	-	-	-	-	۰/۶۰۵	-
۳۱	عدم مسئولیت پذیری جوانان در قبال نقش همسری یا والدینی	-	-	۰/۴۹۷	-	-	-
۳۲	عدم رضایت دختران یا خانواددهایشان نسبت به زندگی مشترک با خانواده شوهر	-	-	-	-	-	۰/۴۳۴
۳۳	نبود مراکز مشاوره ای تخصصی در خصوص مشکلات ازدواج و انتخاب همسر	-	-	-	-	۰/۳۶۵	-
۳۴	مراسم‌های ازدواج پرهزینه برخی از افراد والگودهی آنها به جوانان	-	-	-	-	۰/۳۶۲	-
۳۵	عدم امکان خواستگاری از سوی دختران	-	-	۰/۴۴۷	-	-	-

۳۶	تحصیل یا اشتغال دختران در رشته‌ها و محیط‌های خاص مردانه و کاهش مطلوبیت آنان برای ازدواج از نظر پسران و خانواده‌های آنها	-	-	-	-
۳۷	افزایش مشکلات روانی، رفتاری و ارتباطی جوانان	۰/۶۵۹	-	-	-
۳۸	وجود نقایص جسمی در برخی از جوانان	-	-	-	-
۳۹	افزایش گرایش به انتخاب همسر از طبقه اقتصادی مرفه و جایگزین شدن ارزش‌های مالی افراد به جای صفات شخصیتی و اخلاقی	۰/۴۴۱	-	-	-
۴۰	نفوذ فرهنگ تجمل‌گرایی و چشم و هم چشمی کردن در خانم‌ها و مقایسه خود با دیگران	۰/۳۹۵	-	-	-
۴۱	ناتوانی برخی پسران در بیان احساس نیازشان به ازدواج و مورد تمسخر قرار گرفتن از سوی خانواده‌ها یا دوستان	۰/۵۲۴	-	-	-
۴۲	وجود دل‌بستگی شدید در بعضی از خانواده‌ها بین دختر با والدین	۰/۴۳۵	-	-	-
۴۳	حساسیت بیش از حد یا اصطلاحاً خوب و بد کردن و پیدا نکردن همسر دلخواه و مورد علاقه	۰/۶۴۵	-	-	-
۴۴	کاهش انگیزه از ازدواج در افراد با بالا رفتن سن	۰/۴۹۵	-	-	-
۴۵	مهم شدن افراطی زیبایی چهره، اندام و خوش تیپی دختران در نظر پسران	۰/۵۸۶	-	-	-
۴۶	داشتن والدین یا خانواده بیمار (که نیازمند حمایت دختر یا پسر هستند)	۰/۳۶۷	-	-	-
۴۷	تمایل برخی پسران با ازدواج با دختران با اختلاف سنی زیاد	۰/۷۰۲	-	-	-
۴۸	وجود تناقض در ارزش‌ها و هنجارهای بین پسران در خصوص ملاک‌های همسرگزینی	-	-	-	-
۴۹	ضعیف بودن مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی برای انجام مناسب مراحل مختلف ازدواج	۰/۳۹۰	-	-	-
۵۰	عدم آرایه الگوهای موفق ازدواج و عدم اطلاع رسانی مناسب از طریق رسانه‌های جمعی در مورد ازدواج آسان، آگاهانه و به هنگام	۰/۵۹۴	-	-	-
۵۱	ترس دختران و پسران از پذیرش نقش مادری یا پدری در آینده	۰/۶۹۹	-	-	-

الگوهای ماتریس تحلیل عاملی چرخش یافته سؤال‌های مقیاس در جدول ۴ آمده است. سؤال‌هایی که بار عاملی بالایی در عامل اول دارند (۱۶ گویه) عامل روانشناختی، عامل دوم (۱۲ گویه) عامل فرهنگی، عامل سوم (۹ گویه) عامل اقتصادی و عامل چهارم (۶ گویه) عامل اجتماعی و عامل پنجم (۵ گویه) عامل خانوادگی را بیان می‌کنند. سوالات (۳۶-۳۸-۴۸) نیز بر روی هیچ کدام از عوامل بار معناداری نداشت، بنابراین حذف شدند. لذا در پاسخ به پرسش پژوهش باید گفت که عوامل مؤثر بر نگرش منفی به ازدواج در نمونه دانشجویان به ترتیب عبارتند از، روانشناختی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی.

بحث و نتیجه‌گیری

برای پاسخ به پرسش پژوهش از تحلیل عامل اکتشافی استفاده شد که نتایج به دست آمده نشان داد از دیدگاه دانشجویان مجرد، علل نگرش منفی نسبت به ازدواج به ترتیب عبارتند از، ۱- عوامل روانشناختی ۲- عوامل فرهنگی ۳- عوامل اقتصادی ۴- عوامل اجتماعی ۵- عوامل خانوادگی. که این عوامل در مجموع ۵۷ درصد از واریانس را تبیین کردند. و عامل اول به تنهایی ۲۲ درصد را تبیین کرد. عامل اول شامل ۱۶ ماده، عامل دوم شامل ۱۲ ماده، عامل سوم شامل ۹ ماده، عامل چهارم شامل ۶ ماده، عامل پنجم شامل ۵ ماده

یک عامل مهم در تأخیر در ازدواج، نگرش منفی به ازدواج است. نگرش به ازدواج عبارت است از عقیده ذهنی و باورهای فرد در مورد ازدواج که در مراحل اولیه زندگی شکل گرفته و سازه‌ای نسبتاً ثابت است (ترنت و ساف، ۱۹۹۲). نتایج پژوهش نشان داد که از دیدگاه دانشجویان، "عامل روانشناختی" مهم‌ترین عامل در نگرش منفی نسبت به ازدواج بوده است که با نتایج پژوهش‌های کوک (۲۰۰۲) و آزادفلاح و همکاران (۱۳۸۷) هماهنگ و همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت عوامل روانشناختی نظیر بدبینی و عدم اعتماد به جنس مخالف، عدم امکان شناخت و باور نسبت به اینکه فرد انتخاب شده برای ازدواج ملاک‌های مورد نظر فرد را دارد یا خیر، عدم شناخت فرد از خودش و اینکه چه ملاک‌هایی را برای همسر آینده اش در نظر دارد، وجود نگرش‌های ناصحیح و غیرواقعی گرایانه مرد و زن نسبت به یکدیگر، آرمان‌گرا بودن و وسواس بیش از حد در انتخاب همسر، استرس داشتن برای ازدواج به خاطر ترس از زندگی مشترک یا ابهام در مورد آینده، افزایش رفیق بازی در جوانان، عدم مسئولیت‌پذیری جوانان در قبال نقش همسری یا والدینی، افزایش مشکلات روانی، رفتاری و ارتباطی جوانان، ناتوانی برخی پسران در بیان احساس نیازشان به ازدواج و مورد تمسخر قرار گرفتن از سوی خانواده‌ها یا دوستان، وجود دلبستگی شدید در بعضی از خانواده‌ها بین دختر با والدین، حساسیت بیش از حد یا اصطلاحاً خوب و بد کردن و پیدا نکردن همسر دلخواه و موردعلاقه، کاهش انگیزه ازدواج در افراد با بالا رفتن سن، مهم شدن افراطی زیبایی چهره، اندام و خوش تیپی دختران در نظر پسران، ضعیف بودن مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی برای انجام مناسب مراحل مختلف ازدواج و ترس دختران و پسران از پذیرش نقش مادری یا پدری در آینده می‌تواند در بالا رفتن نگرش منفی نسبت به ازدواج مؤثر باشند.

دومین عامل با اهمیت، عوامل فرهنگی است که با نتایج پژوهش‌های المهورترا و تسوی (۱۹۹۶)، عباسی شوازی و همکاران (۲۰۰۹) هماهنگ و همسو می‌باشد و شامل مواردی مانند تحول موقعیت و نقش‌های زنان در جامعه، کاهش انگیزه ازدواج در بین دختران به دلیل اشتغال و استقلال مالی آنها، ترس بعضی از دختران نسبت به عدم اجازه شوهر برای کار و اشتغال خارج از منزل، تمایل به ادامه تحصیل و مدرک‌گرایی در بین جوانان و بالا بودن هزینه تحصیل در دانشگاه، عدم

آشنایی جوانان با زندگی مشترک و تعریف ازدواج به عنوان عامل سلب آزادی و آسایش و عامل محدودیت، راحت تر شدن ارتباط با جنس مخالف، افزایش ابزارهای ارتباطات جمعی و نفوذ فرهنگ غرب، پایین آمدن ارزش تاهل و رایج شدن باورهای غلط در جامعه در مورد به ازدواج، ضعیف شدن ارزش‌ها و باورهای مذهبی افراد و افزایش بی بندباری و فساد اخلاقی در جامعه، افزایش نرخ طلاق و تعمیم تجارب ناموفق دیگران به خود، عدم امکان خواستگاری از سوی دختران و تمایل برخی پسران با ازدواج با دختران با اختلاف سنی زیاد می‌باشد.

سومین عامل، عوامل اقتصادی است که با نتایج پژوهش‌های مالهوترا و تسوی (۱۹۹۶)، عباسی شوازی و همکاران (۲۰۰۹) هماهنگ و همسو می‌باشد و مواردی مانند بیکاری و نداشتن شغل مناسب، مشکلات اقتصادی و کم بودن در آمد پسران جوان، مشکل مسکن، ترس از هماهنگ نشدن با شرایط مالی همسر آینده، بی ثباتی شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه و عدم حمایت‌های مالی توسط دولت برای جوانان در آستانه ازدواج، مشکل تهیه جهیزه و انجام هزینه‌های ازدواج از سوی والدین، عدم حمایت مالی خانواده از پسران متقاضی ازدواج در سنین کمتر به بهانه پایین بودن سن، مراسم‌های ازدواج پرهزینه برخی از افراد و الگودهی آنها به جوانان، افزایش گرایش به انتخاب همسر از طبقه اقتصادی مرفه و جایگزین شدن ارزش‌های مالی افراد به جای صفات شخصیتی و اخلاقی و نفوذ فرهنگ تجمل‌گرایی و چشم و هم‌چشمی کردن در خانم‌ها و مقایسه خود با دیگران را شامل می‌شود.

عامل چهارم، عوامل اجتماعی است که با نتایج پژوهش‌های گاقان (۲۰۰۲)، مالهوترا و تسوی (۱۹۹۶)، عباسی شوازی و همکاران (۲۰۰۹) هماهنگ و همسو می‌باشد و بر مواردی مانند نبود آموزش صحیح و مناسب و ایجاد آمادگی پیش از ازدواج، بی تفاوتی یا عدم ترغیب فرزندان به ازدواج بهنگام از سوی خانواده‌ها و جامعه، مسدود بودن راه‌های شناخت سالم دو جنس مخالف (فقدان موقعیت و شرایط اجتماعی مناسب برای آشنایی دو جنس)، عدم اطلاع جوانان به سودمندی ازدواج به ویژه از سوی پسران، نبود مراکز مشاوره‌ای تخصصی در خصوص مشکلات ازدواج و انتخاب همسر، عدم آرایه الگوهای موفق ازدواج و عدم اطلاع رسانی مناسب از طریق رسانه‌های جمعی در مورد ازدواج آسان، آگاهانه و به هنگام تاکید دارد.

پنجمین عامل نیز عوامل خانوادگی است که با نتایج پژوهش‌های کری (۲۰۰۵)، مالهوترا و تسوی (۱۹۹۶) و گانونگ و همکاران (۱۹۸۱) هماهنگ و همسو می‌باشد و شامل مواردی مانند پرتوقع شدن خانم‌ها و خانواده‌هایشان در انتخاب همسر، عیب تلقی شدن آشنایی با جنس مخالف، اختلاف نظر با خانواده در زمینه ازدواج و معیارهای انتخاب همسر، عدم رضایت دختران یا خانواده‌هایشان نسبت به زندگی مشترک با خانواده شوهر و داشتن والدین یا خانواده بیمار (که نیازمند حمایت دختر یا پسر هستند) می‌باشد.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر مربوط به دانشجویان دانشگاه‌های شهر اهواز می‌باشد. لذا تعمیم نتایج آن به دانشجویان شهرها و فرهنگ‌های دیگر باید با احتیاط صورت گیرد. همچنین، عدم مقایسه نگرش دانشجویان دختر

و پسر از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر است. بررسی نقش عواملی مانند شبکه‌های اجتماعی، تلفن همراه، اینترنت و... در نگرش جوان امروز نقش مؤثرتری ایفا می‌کند. با توجه به شرایط سنی نمونه مورد مطالعه، پیشنهاد می‌شود، چنین پژوهش‌هایی هر ۱۰ سال یک بار اجرا شود تا شرایط اجتماعی و فرهنگی متفاوت مربوط به نسل‌های مختلف نیز مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، انجام پژوهش‌های بیشتر در فرهنگ‌های مختلف به صورت اختصاصی، چرا که ممکن است برخی آیت‌ها در برخی فرهنگ‌ها یا گروه‌های خاص اهمیت کمتر یا بیشتری داشته باشند.

منابع

- آزادفلاح، پروین، پورمحمدرضای تجریشی، معصومه، بیگدلی، ایمان اله و مدرسی، حسن. (۱۳۸۷). راهکارهای علمی و اجرایی برای حل فاصله بین بلوغ و ازدواج: شناسایی موانع ازدواج و راهکارهای تسهیل آن. نخستین جشنواره ملی خانواده پژوهی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- خلج آبادی فراهانی، ف (۱۳۹۰). تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج، رضایت زناشویی و طلاق. (گزارش تحقیق). مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- خلج آبادی فراهانی، ف، کلیند، ج و مهریار، ا. (۱۳۹۰). نقش خانواده در معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج در بین دختران دانشجو در تهران. خانواده پژوهی، ۳۰، ۴۶۸-۴۴۹.
- سالنامه آماری سازمان ثبت احوال کشور. (۱۳۸۵).
- سالنامه آماری سازمان ثبت احوال کشور. (۱۳۹۳).
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۹۳). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، چاپ نوزدهم، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- گلزاری، م. (۱۳۸۳). دوستی و ارتباط پایدار با جنس مخالف در نوجوانان و رابطه آن با ویژگی‌های خانوادگی. مقالات نخستین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، ۲۸-۳۰.

- Bramlett, M. D., & Mosher, W. D. (2001). First marriage dissolution, divorce, and remarriage: United States. *Advance Data: Centers for Disease Control*, 323, 1-19.
- Carey, K. M. (2005). *Effects of childhood family environment on marital attitudes*. M.A. Dissertation. Truman State University.
- Cook, J. L. (2002). Congruency of identity style in married couples. *Journal of Family Issues*, 8, 912-926.
- Faust, K. A., & McKibben, J. N. (1999). Marital dissolution: Divorce, separation, annulment, and widowhood. In M. B. Sussman, S. K. Steinmetz, & G. W. Peterson (Eds.). *Handbook of Marriage and the Family*, 2nd edition (pp. 475-499). New York: Plenum Press.
- Freeman, H., & Brown, B. B. Primary attachment to parents and peers during adolescence, differences by attachment style. *Journal of Youth and Adolescence*, 30: 653-674, 2001.

- Ganong, L., Coleman, M., & Brown, G. (1981). Effect of family structure on marital attitudes of adolescents. *Adolescence*, 16, 281-288.
- Jonsson, F. H. (2000). Parental divorce: long – term effects on mental health. *Family relations and adult sexual behavior*, 41, 101-105.
- Kamp Dush, C., Amato, P. (2005). Consequences of relationship status and quality for subjective well-being. *Journal of Social and Personal Relationships*, 22 (5): 607–627.
- Kennedy, S., & Bumpass, L. (2011). Cohabitation and trends in the structure and stability of children's family lives. Paper presented at the Annual Meeting of the Population Association of America, Washington, DC.
- Killawi, A., Daneshpour, M., elmi, A. E., Dadras, I., & Hamid, H. (2014). Recommendations for Promoting Healthy Marriages & Preventing Divorce in the American Muslim Community. Institute for Social Policy and Understanding.
- Krumrei, E., Coit, C., Fogo, W., & Mahoney, A. (2007). Post- divorce adjustment and relationships: A Meta – analytic review. *Journal of Divorce and Remarriage*, 4, 145-164.
- Leifbroer, A., & Dourleijn, E. (2006). Unmarried cohabitation and union stability: Testing the role of diffusion using data from 16 European countries *Demography*, 43, 203 – 221.
- Manning, W. D. (2013). Trends in cohabitation: Twenty years of change, 1987-2010 (FP-13-12). National Center for Family & Marriage Research. Retrieved from: <http://www.bgsu.edu/content/dam/BGSU/college-of-arts-and-ciencs/NCFMR/documents/FP/FP-13-12.pdf>.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2007). *Attachment in Adulthood: Structure, Dynamics, and Change*. New York: The Guilford Press; 47-49.
- Musick, K., & Bumpass, L. (2012). Reexamining the Case for Marriage: Union Formation and Changes in Well' being. *Journal of Marriage and Family*, 74, 1-18.
- Risch, S. C., Jodl, K. M., & Eccles, J. S. (2004). Role of the father-adolescent relationship in shaping adolescent's attitude toward divorce. *Journal of Marriage and Family*. 66 (1): 46-58.
- Schoenborn, C. A. (2004). Marital status and health: United States, 1999-2002. *Advance Data*, No. 351, 55-71.
- Skinner, K. B., Bahr, S. J., Crane, D. R., & Call, V. R. A. (2002). Cohabitation, marriage, and remarriage: A comparison of relationship quality over time. *Journal of Family Issues*, 23, 74-90.
- Stack, S., Eshleman, J. R. (1998). Marital Status and Happiness: A 17-Nation Study *Journal of Marriage and Family*, 60 (2), 527-530.
- Thompson, R., Lizardi, D., Keyes, K., & Hasin, D. (2008). Childhood or adolescent parental divorce separation, parental history of alcohol problems and offspring lifetime alcohol dependence. *Drug and Alcohol Dependence*, 98, 264-269.
- Trent, K, South, S. J. (1992) Socio-demographic status, parental background childhood family structure, and attitudes towards family formation. *Journal of Marriage and the Family*, 54: 427-439.
- Vespa, J. (2014). Historical Trends in the Marital Intentions of One Time and Serial Cohabitors. *Journal of Marriage and Family*, 76, 207-217.
- Waite, L. J., & Gallagher, M. (2000). *The case for marriage: Why married people are happier, healthier, and better off financially*. New York: Random House.
- Wilmoth, J., Koso. G. (2002). Does Marital History Matter? Marital Status and Wealth Outcomes Among Preretirement Adults. *Journal of Marriage and Family*, 64: 254-68.